

مرور آماری بر اعتراضات و اعتراضات کارگران ایران در سالی که گذشت!

جنبش کارگری ایران پُرجوش و پُرتوان اما پراکنده و پراکنده

کارمشتک : نگار و احمد راستی، رضا رئیس دانا و امیر جواهری لنگرودی

Roozshomar_k@yahoo.com

تیرماه ۱۳۸۹ برابر ژوئیه ۲۰۱۰

ارزیابی عمومی:

روز شمار جنبش کارگری سال ۱۳۸۸، به پایان برده شد. اکنون جداول آماری مستخرج از روز شمار کارگری در برابر ما است و بر این پایه ما دقیق ترمی توانیم با داده های آماری با شما خوانندگان عزیز به گفتگو بنشینیم.

لازم به یاد آوری است؛ از مجموع اخبار مطرح شده در روز شمار کارگری سال گذشته، با توجه به لیست کردن چند هزار "خبر"، "گزارش"، "تحلیل"، "پیام" و "اطلاعیه کارگری" از داخل کشور، ما از این میان، تعداد ۱۳۶ مورد که مستقیماً با مسائل کارگری ارتباط داشتند را در جدول استنتاج های خود جا دادیم. در میان این خبرها ۳۰۰ حرکت اعتراضی با خواست مشخص گزارش شده و ۱۴۷ مورد طرح خواسته های کارگران بدون حرکت اعتراضی مشخص بوده است. ما در فرصت دیگری به مقایسه آماری و جداول روز شمار کارگری سال های پیش با جداول موجود سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ در فواصل زمانی معین خواهیم پرداخت.

در رابطه با جداول آماری، ذکر دو نکته زیر ضروری است:

۱- لازم به توضیح است که خبرهای خبرگزاری های رسمی بویژه؛ ایلنا و ایسنا، مهر و فارس و ... در بازتاب خبر، آنگونه که خبرهای بر شمرده در - روز شمار کارگری سال گذشته - آمده است. خبرها عمدتاً مربوط به حرکات بزرگ کارگری بویژه صنایع کلیدی نظیر؛ (نفت - پتروشیمی - ذوب آهن - ایران خودرو - ماشین سازی و غیره) و خدماتی بزرگ نظیر؛ سندیکای شرکت واحد تهران و حومه و شهرداری ها و ... می باشد که بدلیل اهمیت و انعکاس آنها به ناگزیر در مطبوعات و یا دیگر رسانه ها، بازتاب یافته است. بدین ترتیب بسیاری از اخبار کارگری تنها به حرکات کارگری در صنایع و یا واحد های خدماتی بزرگ محدود می گردند. از این رو اخبار کارگری جمع آوری شده، در برگیرنده همه اعتراضات و اعتصابات و اجتماعات مطالباتی کارگران و سطوح وسیع تعطیلی کارخانه ها و واحد های تولیدی، کارگاهی بویژه کارگاههای ی قالی بافی، کارخانگی زنان، کارگاههای ۱۰ نفره و ۵ نفره و کمتر، مشاغل کاذب آن سطح از کارگرانی که از روستا کنده شده و در حاشیه کلان شهر تهران، ترمینال ها، راه آهن، بازار تهران، سطح خیابان ها و مراکز استان ها و شهرهای نزدیک خود به کار مشغولند و یا کودکان خیابانی کار و غیره به جز واحد های سازمان یافته ای از کارگاهها و واحدهای کوچک مثل خبازان شهرسقز در کردستان ایران، گزارشی در میان نیست و خبری از این مجموعه را بازتاب نمی دهند. لذا می توان گفت: حرکات کارگران به مراتب وسیع تر و گسترده

تراز این مجموعه ایست که در روز شمار کارگری سال ۸۸ هر سه ماه یکبار جا گرفته و توسط ما انتشار* یافته است .

۲- کارگران در سال ۱۳۸۸ به مانند دیگر اقدشار و گروه بندیهای اجتماعی در متن جنبش اعتراضی عمومی پس از خیزش انتخاباتی خردادماه ۸۸ حضور داشتند. کارگران نیز از یکسو درگیر در مبارزه ضد دیکتاتوری عمومی بوده و از سوی دیگر خواسته ها و مطالبات خود را دنبال نموده است.

می توان گفت : تمامی سال ۸۸ میدان رویارویی کارگران در تحركات و اعتراضات آنها، به مانند میدان عمل سال های پیش اش نبود بلکه تا حدی متفاوت می نمود. چراکه طبقه کارگری سال ۸۸ در میدان درگیری اش با کل حاکمیت تنها نبود. همه ما شاهد بودیم؛ آنگاه که کارگران لوله سازی اهواز به خیابان آمدند، صف عظیمی از جوانان، دانش آموزان و دانشجویان و زنان از درب حیاط خانه هایشان کنده شدند و با کارگران در طول مسیر به راه افتادند. کارگران نیز در پیکاری امان مردمان سراسر کشور در سال گذشته؛ ضمن پیگیری خواست ها و مطالبات خود بخش بانظام نیز درگیر بودند. امروز سامی کشته شده گان کارگر در برابر ما است . "کانون حمایت از خانواده شهدا و دستگیر شده گان در ایران" ، در حال حاضر سامی ده تن از آنان را به شرح زیر انتشار داده است :

۱- محمود رئیسی نجفی

۲- بهمن جنابی خوش، ۱۹ ساله، کارگر لوله کش و تأسیسات لوازم برقی

۳- احمد نجاتی، ۲۲ ساله که با ضربات باتون به شهادت رسید

۴- سجاد قائد رحمتی، اهل درود لرستان

۵- حسین اختر زند، اهل اصفهان

۶- فرزاد جشنی ۱۹ ساله، اهل ایلام

۷- ابوالفضل عبداللهی، برقکار که بر اثر اصابت گلوله به سرش به شهادت رسید

۸- سعید عباسی، ۲۸ ساله که در اثر شلیک گوله پاسداران به شهادت رسید

۹- میثم عبادی، ۱۷ ساله، کارگر فرش فروش، در فلکه صادقیه با اصابت گلوله به شکمش به شهادت

رسید

۱۰- عباس دیسناد، کارگر بازاری، ۴۸ ساله در اثر ضربات باتون بر سرش به شهادت رسید

بخش وسیع مبارزات، اعتراضات و اعتصابات کارگران ایران در سال ۸۸، همچون سال های گذشته، خصلت دفاعی داشته و بیش تر این تحركات برای حفظ حداقل های موجود صورت گرفته است. کارگران در راه دست یابی به مطالبات خود، در حوزه های موفق و جاهایی ناموفق بوده و سرکوب شده و هزینه هایی بس سنگین نظیر دستگیری ، زندان ، پرداخت وثیقه های سنگین ، اخراج از کار، مرگ و خودکشی نیز روبرو گشته اند.

می توان گفت : در دل جنبش آزادیخواهی و ضد استبدادی **یکسال** اخیر، اعتراضات خیابانی کارگران لوله سازی اهواز، همراهی مردم و دانشجویان با آنان در هم آوایی با خواسته هایشان، از جمله شاخص ترین تحركات بازتاب یافته در سطح شبکه اینترنت و یوتوپ است که خبرگزاری های رسمی مطلقا به بازتاب آن بر نیامدند . دیگر آنکه علیرغم اعتراضات و اعتصابات، تحركات صنفی و مطالباتی، به دلیل فضای سیاسی حاکم در کشور، اعتراضات وسیع کارگران هیچ گاه به طور مستقل و جدی در سطح رسانه های حکومتی مطرح نشده است.

در این مدت خبرگزاری حکومتی ایلنا در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۸۸ با عنوان: در طی یکماه ونیم گذشته، هرینج (۵) روزیک تجمع کارگری را در ایران شاهد بودیم، مجبور به انعکاس و بازتاب واقعیت های کارگری ایران شده و گزارش داده است :

" ما شاهد تجمع‌های فراوان صنفی بوده که در آن، تجمع‌کنندگان خواهان رسیدگی به مشکلات معیشتی خود شده‌اند. این تجمعات مسالمت‌آمیز به دلیل مسائل پس از انتخابات و در ادامه، فضای سیاسی کشور هیچ‌گاه به طور جدی دیده نشد، حال آنکه آینه‌ای از وضعیت اقتصادی ایران در سال ۸۸ بود، سالی که به تعبیر دبیرکل خانه کارگر، سال مرگ واحدهای کارگری است و به گفته رئیس اتاق بازرگانی اصفهان، سال بحران‌های کارگری. از یک سو وضعیت معیشتی و اقتصادی کارگران آنان را به سمت اعتصابات پیاپی در مراکز تولیدی و صنعتی کوچک و بزرگ کشانده است و از سوی دیگر، حضور کارگران در اعتراضات اخیر، اگرچه غیرسازمان یافته و بدون تشکل‌های طبقاتی شان، آنان را به مبارزات عمومی و ضد دیکتاتوری پیوند داده است و وفق مبارزاتی جدیدی را به روی آنان گشوده است. به همین جهت اعتراضات و مبارزات کارگران در دوره نوینی که در آن به سر می‌بریم روبه افزایش است. و ما همچنان با تشکل یافتگی و نضج گرفتن سطح مبارزات کارگران روبرو هستیم. "

<http://www.ilna.ir/newsText.aspx?ID=75308>

پرسش این است؛ چه دست عواملی جنبش کارگری سال ۸۸ را از سال‌های پیش، متفاوت تر نشان می‌دهد و یا عمده ترین مشکلات کارگران کدام‌ها بودند و موقعیت مبارزاتی این نیروی عظیم طبقاتی در چه سطحی جای داشت، که می‌شود درباره جزء به جزء اش صحبت داشت؟

مهمترین مشکلات کارگران :

از مهمترین مولفه‌های اساسی زندگی کارگران در سال ۸۸، می‌توان از؛ ۱- رشد فزاینده فقر و گرسنگی ۲- نادیده گرفتن امنیت شغلی کارگران ۳- عدم وصول به موقع دستمزد های معوقه ۴- عدم پرداخت مزایا (عیدی - پاداش- بن کارگری- آکورد- اضافه کاری و ...) ۵- افزایش بیکاری و اخراج‌ها ۶- توقف اخراج‌ها و بازگشت همه کارگران اخراجی بر سرکار ۷- اعتراض به قراردادهای موقت و پیمانی و سفید امضاء، رسمی نکردن کارگران چه توسط دولت و چه بخش خصوصی ۸- ممانعت از تعطیلی کارخانه ۹- افزایش حقوق و پرداخت به موقع آن ۱۰- حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری ۱۱- مشکلات زنان کارگر و کارخانگی زنان ۱۲- گرانی و تورم ۱۳- عدم ایمنی و بهداشت محیط کار و سوانح کارگری در حین کار ۱۴- بی توجهی به سطح تامین اجتماعی کارگران و مسئله بیمه کارگران، بیمه بیکاری ۱۵- تخریب وسیع و گسترده اکولوژیکی زیست محیطی و خشک سالی ۱۶- مشکلات معلمان ۱۷- پرستاران ۱۸- بازنشستگان و مشکلات تامین اجتماعی آنان ۱۹- مسئله یارانه‌ها و تاثیر مخرب آن در زندگی کارگران ۲۰- بردگی کار کودکان را می‌توان از عمومی ترین مشکلات کارگران در تمامی سال ۸۸ ایران شمرد.

رشد فقر در زندگی کارگران :

می‌بینیم در حالی که گرسنگی، یکی از معضلات جامعه ایران شده است بطوریکه کارگران هفت تپه شعاری دادند: "کارگر هفت تپه ایم/ گرسنه ایم گرسنه ایم." در زمانی که اکثریت مردم ایران برای خرید مایحتاج اولیه خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند و نیم بیشتر آنان در زیر خط فقر مطلق بسر می‌برند، روز سوم مهر ۸۸ تمامی خبرگزاریها اعلام می‌دارند: "شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران در بزرگترین معامله تاریخ بورس ایران، پنجاه درصد بعلاوه یک، سهم شرکت مخابرات ایران را به ارزش حدود هشت میلیارد دلار خریدند."

بخش فارسی رادیوبی بی‌سی گزارش می‌دهد: "شرکت خریدار مخابرات ایران در پایان مهلت قانونی یک میلیارد و پانصد میلیون دلار، به حساب دولت واریز کرد و با این کار، معامله مخابرات

قانونی شد. چهل و پنج روز پیش، چند شرکت وابسته به سپاه پاسداران ایران به همراه ستاد اجرایی فرمان امام، موسسه زیر نظر آیت الله خامنه ای رهبر ایران، سهام هشت میلیارد دلاری شرکت مخابرات را در غیاب رقیب بخش خصوصی خریداری کرد. پرداخت نقدی چنین پول هنگفتی از کمتر خریداری ساخته است و صدور چک با این مبلغ توانایی مالی خریداران سهام شرکت مخابرات را نشان می دهد"

(سایت بی بی سی، تاریخ ۱۸ آبان ۸۸ برابر دوشنبه ۹ نوامبر ۲۰۰۹)
در حوزه رشد فقر در جامعه ما، خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در گزارشی که صبح سه شنبه، پنج خرداد، با تیتیر " بیش از یک میلیون تومان برای رهایی از فقر " منتشر کرد، اعلان داشت؛ " با توجه به میزان تورم در سال های اخیر، خط فقر را رقمی بسیار بالاتر از آنچه تا کنون فرض شده محاسبه کرده است. " در این گزارش مبنای محاسبه، اطلاعات اداره آمار های اقتصادی بانک مرکزی از متوسط هزینه ی یک خانواده ی شهری در سال ۱۳۸۵ ذکر شده است. به نوشته ی همان منبع، " این رقم برای سال یاد شده ۶۶۴ هزار تومان بوده که با توجه به میزان تورم، در سال ۸۷ به ۹۰۰ هزار تومان می رسد. " بانک مرکزی میزان تورم در دوازده ماه منتهی به فروردین ۸۸ را، به نسبت مدت مشابه در سال قبل آنرا ۲۵٫۴ درصد اعلام کرد. ایضا خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا با استناد به این ارقام پیش بینی می کند که " در سال جاری هر خانواده ی پنج نفره در تهران برای رهایی از فقر باید ماهی یک میلیون و ۱۲۵ هزار تومان در اختیار داشته باشد. " نگرانی از مشخص شدن تعداد فقیران، جمعیت کارگران شاغل در ایران حدود ۶ میلیون نفر است که با حساب متوسط تعداد هر خانواده، نان آور در جای جای کشور، بیش از ۲۵ میلیون نفر محسوب می شوند.

باید گفت؛ در طی این سال ها، تلاش نظام اسلامی این بوده است که فعالان کارگری را تنها در راستای سیاست های خود نگهدارند و تشکل های احیاء شده آنان را از محتوی تهی و بیاتعیل گردانند. فعالان آنان را که سخنگویان و زبان گویای آن تشکل ها و کارگران متشکل شده بودند، در گلو خفه کنند، هر چند تا به امروز موفق نشده اند. در این میان کارگران با پرداخت هزینه دستگیری ها، احضار ها، بازداشت و زندان و دادگاهی شدن و پرداخت وثیقه های چند ده و چند صد میلیونی آزاد شدند. از خاطره کمتر کارگرو فعال کارگری تهاجم به تجمع کارگران در پارک لاله به مناسبت گرامی داشت روز جهانی کارگر ۱۱ اردیبهشت ۸۸ (اول ماه مه سال ۲۰۰۹) و در همان روز به کارگران تعاونی مسکن فلز کار و مکانیک، خاصه حادثه تجاوز به تجمع کارگران و خانواده های آنان در پارک لاله تهران بزرگ، گرد فراموش بخودگیرد. هنوز تیپ های شناخته شده سندیکای مستقل کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه منصور اسالو و ابراهیم مددی و علی نجاتی و دیگر چهره های شناخته شده و سازمانگر سندیکای نیشکر هفت تپه شوش که طی سال ۸۸ در زندان ماندند از اذهان مان بیرون نرفته است. آنچه در استمرار این مبارزات طی سال (۸۸) قابل توجه بوده، جلب پشتیبانی های وسیع جهانی و برانگیختن همبستگی بین المللی از مبارزات کارگران ایران بوده است که در دو سطح همراهی فعالان تشکل های " نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور " یعنی در سطح (اروپا - کانادا - فعالان اتحاد چپ واشنگتن - استرالیا) و همراهی سندیکاها - اتحادیه ها و مجامع کارگری جهانی (کنفدراسیون ها و فدراسیون ها) صورت گرفته است.

همچنین طی سال گذشته استقامت و پایداری و هزینه های زندان بودن و دستگیری فعالانی چند همچون : منصور اسالو - ابراهیم مددی - علی نجاتی و دیگران در کنار احضار محمود صالحی - رضا دهقان - بهزاد سهرابی - محسن حکیمی - و همچنین به دادگاه فراخواندن علیرضا تقوی و پسرش و مریم ضیاء از فعالین حقوق کودک، تهاجم به منزل فعالان شناخته شده ای همچون مریم محسنی و بهروز خباز، بازداشت و زندان بودن لیست فعالان دستگیر شده تعاونی مسکن فلز کار و میکانیک و همین طور زندان ماندن محمد اشرفی - مهدی فرحی شانندیز - محمد حیدری مهر و وکیل مدافع جسور کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه شوش، آقای محمد اولیایی فر، معلمان دربند فرزاد کمانگر - رسول بداقی - محمد داوری - هاشم خواستار همه و همه در زمره اخبار اردیبهشت ماه سال ۸۸ به این سو جا گرفته و گزارشات روزانه آن ها

فهرست شده و جنایتبارتر اینکه معلم پُر آوازه کودکان خطه خونین کردستان " فرزند کمانگر " در ماه مه سال ۸۹ با وجود همه فشارهای مجامع جهانی به رژیم ایران به همراه چهارتن دیگر، توسط رژیم به چوبه اعدام سپرده شد و تأثیر همگان را برانگیخت .

مطالبات معوقه کارگران:

طبقه کارگر ایران در چهارچوب نظام سرمایه داری زندگی می کند که زیرسلطه حکومت دیکتاتوری اسلامی اداره می شود. در این نظام نداری و فقر، بیکاری و گرسنگی، گرانی و تورم، ترس و وحشت، بزهکاری و اعتیاد، بی خانمانی و فحشاء، بازداشت و زندان، شکنجه و اعدام، کماکان بردوش مردمان محروم و بی چیز ایران سنگینی می کند. در چنین شرایطی است که طبقه کارگر برای آینده خود و اعضاء خانواده اش از هر لحاظ، مشغول مبارزه مستمر و بی امان صنفی و اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

مطالبات کارگران در این مبارزه بسیار وسیع و متنوع است و سطوح گوناگونی را پوشش می دهد که در زیر به موارد معین آن اشاره داشته ایم.

لازم به تأکید است؛ همانگونه که پیشتر آوردیم؛ در سالی که گذشت، حرکات و مبارزات کارگران در همه جا تدافعی بوده و حتی در حوزه تدافع نیز دستاوردهای بسیار کمی داشته اند.

عمومی ترین مطالبات بر بسترد درخواست های از قبل پاسخ نگرفته کارگران سراسر ایران اعم از واحد های بزرگ صنعتی، کارخانه های تولیدی، کارگاهی و کارخانگی زنان، مشاغل کاذب کودکان خیابانی کار، اعتراضات معلمان و پرستاران، شبکه وسیع بخش خدمات، سطوح وسیع کارمندان و بازنشستگان کشور که اینجا و آنجا باموج تعطیلی کارخانه ها و اخراج و بیکاری وسیع کارگران همراه بود، تعریف می گردد.

نمودار مطالبات معوقه را می توان به شکل زیر فهرست بندی نمود:

- الف) پرداخت حقوق و دستمزدهای عقب افتاده و افزایش سطح دستمزدها.
- ب) امنیت شغلی برای همه کارگران و جلوگیری از اخراج و بیکاری و توقف اخراج ها و بازگشت همه کارگران اخراجی بر سر کار.
- پ) حذف قراردادهای موقت و سفید امضاء و غیرقانونی شناختن قراردادهای جدید کار و موقت در کارهایی که ماهیت دائم و مستمر دارند و برچیدن بنگاههای کاریابی قراردادی.
- ت) اجرای قراردادهای دسته جمعی و لغو فرم های جدید قرارداد کار و تعطیلی بنگاههای کاریابی.
- ث) وصول پاداش - عیدی و بُن کارگری.
- ج) حق بیمه درمانی و تأمین اجتماعی - بیمه های اجتماعی برای کلیه کارگران و بیمه بیکاری.
- چ) لغو بردگی کار کودکان در سراسر کشور. کودکان و نوجوانان باید از امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی یکسان برخوردار باشند.

ح) پایان بخشیدن به نابرابری جنسیتی در محیط کار و توجه به برابری حقوق بین کار زنان و مردان

خ) برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی.

د) برخورداری از حق تشکل مستقل در تمامی سطوح کارگری و کارمندی.

ذ) دست یافتن کارگران فصلی و ساختمانی از حقوق انسانی برابر.

ر) حق اعتصاب و برپایی اجتماعات.

ز) جلوگیری از اخراج کارگران خارجی خاصه افغانی ها و پایان بخشیدن به بی حقوقی آنان

ژ) به رسمیت شناسی حقوق تمام اقلیت های ملی و قومی ساکن ایران با هدف زمینه سازی برای رفع

محرومیت آن ها در همه زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی

س) برخورداری همه مردم و خاصه کارگران و محرومان کشور از مسکن مناسب با تمام امکانات

رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی. تحقق این امر در گرو آن است که: ۱- از ساختمان های تحت

مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی، امنیتی و سپاهی، بسیج قرار دارند برای تأمین مسکن مردم استفاده شود. ۲- دولت هرسال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای مردم اختصاص دهد.

ش) تعطیلی رسمی اول ماه مه و رفع هرگونه ممنوعیت از برگزاری مراسم مستقل کارگری در این روز.

ص) آزادی کارگران زندانی و پایان بخشیدن به احکام ضد کارگری رژیم و... می باشد.

جدول زیر از روز شمار کارگری ایران در سال ۸۸، مضمون پیگیری مطالبات معوقه کارگران را نشان می دهد.

جدول شماره ۱

پیرامون خواسته های مطرح شده و تعداد حرکت های مربوط به آنها:

خواسته ها	تعداد به مورد
۱- دستمزد ها و حقوق های معوقه	۱۴۴ مورد
۲- عدم پرداخت مزایا و امنیت شغلی	// ۹۶
۳- اخراج ها	// ۹۴
۴- اعتراض به قراردادهای موقت	// ۳۵
۵- ممانعت از تعطیلی کارخانه	// ۱۴
۶- افزایش حقوق	// ۶

جدول بالا، گواه این است که مسئله دریافت دستمزدها و حقوق های معوقه و عدم پرداخت مزایای کارگری که شامل (عیدی - پاداش - بن کارگری - آکورد - اضافه کاری و ...)، اخراج ها، اعتراض به قرارداد های موقت، تعطیلی کارخانه ها و ممانعت از آن، افزایش حقوق کارگران و امنیت شغلی بمثابه بزرگترین معضل جنبش کارگری عمدتاً در تمامی طول سال ۱۳۸۸، نتیجه و ادامه سیاست های نئولیبرالی بوده که از زمان هاشمی رفسنجانی شروع شده و تا امروز دوره احمدی نژاد بدلیل سیاست های بیمار اقتصادی او ادامه یافته است.

کارگری به درستی در رابطه با نبود امنیت شغلی کار می گوید: "امنیت شغلی واژه ای بیگانه برای ماست و هر روز نگران فردای خود هستیم" از دیگر مشخصات دولت احمدی نژاد طی سال گذشته؛ پیشبرد بیش از پیش تصریح و تسریع سیاست "خصوصی سازی" یا همان "خودمانی سازی" رایج بود و ادعای دولت در واگذاری "سهام عدالت" نیز راه بجایی نبرد.

سالی که گذشت، سال سختی برای کارگران سراسر ایران به لحاظ گذران اقتصادی و حل مشکلات سیاسی پیشروی کارگران تامین مسکن و گذاران روزمره زندگی بوده است. به دنبال فتوای خامنه ای و صحنه گذاشتن مجمع تشخیص مصلحت نظام، پیشبرد و واگذاری اصل ۴۴ در کشور، دولت با واگذاری معادن، صنایع کارخانه ای و تولیدی و اموال عمومی به بخش خصوصی و خودشانی بویژه نیروی سپاه پاسداران و بخشا بسیج دخیل کردن آنان در پروژه های عظیم کشور و خارج کردن آنها از زیر کنترل خویش، دهها و صد ها هزار کارگر را از کار اخراج کردند و یا در آستانه اخراج قرار گرفتند. در این رابطه طی سال گذشته دولت، مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت

نظام و شورای عالی قضایی و نیز شخص خامنه ای با " قاطعیت" از تامین منافع شرکت های خصوصی غیرمولد سخن گفته و آنها را همواره زیر پوشش حمایت های به اصطلاح " قانونی" خود قرار داده اند. نکته مهم و گفتنی اینکه؛ امروز بیش از هر موقعی پرسش های زیر مطرح است: چرا مسئله پرداخت به موقع حقوق کارگران به معضل اساسی کارگران بدل شده است یا در اساس عمومیت یافتن عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران هم توسط دولت به مثابه بزرگترین ارکان بخش خصوصی و هم خود بخش خودمانی شده صنایع، محصول چه چیزی است؟ یا باید پرسید: چرا آنرا بدین وسعت عمومیت می دهند؟ آیا خود این امر مقدمه ای برای تسویه حساب های بعدی کارگران و تعطیلی عمده صنایع نیست؟ و یا اینکه اساساً چرا دولت - بعنوان حافظ منافع عمومی - اجازه می دهند تا مسئله عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران تا این حد عمومیت پیدا کند؟ چرا تا به امروز به اعتراضات بی شمار کارگران کشور حتی کمترین توجه ای نشده است؟ چرا و به چه دلیل همیشه کارگران نادیده گرفته می شوند؟ آیا نمی شود استمرار این عمل را مقدمه ای برای تسویه حساب های بعدی کارگران و تعطیلی کارخانه ها دانست؟ اینها و دهها پرسش دیگر در این محور، جای بحث و بررسی دارد.

تعطیلی کارخانه ها و واحدهای کارگری، اخراج های بیرویه و بیکارسازی های گسترده کارگران:

چنانچه بخواهیم تعطیلی واحد های کارگری طی سال های اخیر را پی گیریم. باید به سال ۸۷ اشاره کنیم. طبق بررسی های مجلس تقریباً ۴۰۰ واحد تعطیل شده اند. طبق این آمار تعداد بیکاران این واحدهای تعطیل شده حدود ۲۰۰ هزار نفر است. همچنین در دو سال اخیر ۲۰ واحد صنعتی دیگر در قزوین تعطیل و کارگران آن بیکار شده اند. در این رابطه علی کریمی دبیر اجرایی خانه کارگران استان قزوین گفت: "متأسفانه مشکلات کارگری شرکت های فرسخ، مهنخ، نازنخ، پوشینه بافت و لامپ الوند حل نشده است". او اعلام داشت: "از سال ۱۳۷۶ تاکنون ۱۰۰ واحد صنعتی در استان قزوین تعطیل شده است" وی افزود: "در حال حاضر ۶۰ هزار کارگر استان بلا تکلیف هستند، زیرا سوابق کاری آنها بین ۱۸ تا ۲۹ سال است و هنوز نمی توانند بازنشسته شوند"

بدنبال این وضعیت در سال گذشته چرخه اخراج ها و بیکارسازی کارگران هیچگاه از گردش بازمانده است. بطوری که طی سالهای اخیر با جدی گرفتن خودمانی سازی در عرصه واحد های صنعتی، تولیدی بر پایه اصل ۴۴ و حکم فقهی خامنه ای همانطور که پیشتر یاد آور شدیم، ما با گسترش تعدیل نیروی انسانی، اصلاح ساختاری صنایع یا تعطیلی کارخانه ها و اخراج های گسترده روبرو بوده ایم. با توجه به محدودیت و کنترل آمار در کشور، تنها با ورق زدن روز شمار کارگری در لای مطبوعات و نوشته های آن، می توان جدولی از تعطیلی و ورشکستگی کارخانه ها و اخراج ها را ردیف کرد.

جدول شماره ۲

پیرامون رگود و تعطیلی کارخانه ها و تعداد کارگران بیکار شده در واحد های نامبرده:

تعداد کارگران به نفر	رگود تولید و تعطیلی کارخانه ها
۲۰۵	ایران صدرا
۱۶۰	نخ البرز
۵۰۰	"تاژ" و تول پرس
۳۰۰۰	کارکنان فنی حرفه ای

۱۸۰۰	لوله سازی اهواز
۶۰۰۰	پارس جنوبی
۴۵	فیبر بابلسر
۲۴۰	گوشت زیاران
۳۰۰	سیمان تهران
۲۰۰	کشت و صنعت شمال
۸۰	بیمارسان امید
۱۷۰	کاغذ پارس
۱۳۰	تراکتور سازی بوکان
۱۴۰	شمع نور
۵۰۰	روکش چوبی
۵۰۰	صنایع مخابرات راه دور
۱۳۰	هتل آزادی
۳۰	فنی سازی
۳۰۰	چینی البرز
۱۵۰۰	صنعت برق
۴۰۰	واگن سازی
۸۰۰	نوشابه ساسان
۷۵	نوشابه آرم
۴۰	آبی ساز
۵۰	علاالدین
۲۰	فرانوش
۲۰	آرد آذری
۲۲۰	هواپمایی ساها
۸۰	گرم کمیکال
۶۵	سد بنیر
تعداد ۱۷ / ۷۲۰	جمع ۳۰ مورد

مرکز آمار ایران میزان بیکاری جوانان را ۲۱/۸۱ درصد اعلام کرده که تقریباً دو برابر نرخ متوسط بیکاری در ایران است. ضمن اینکه نرخ بیکاری در استان‌های مختلف ایران نیز متفاوت است به طوری که نرخ بیکاری در استان‌های مرزنشین از دیگر نقاط ایران بالاتر است که می‌توان به نرخ بیکاری در استان کردستان به میزان ۲۵ درصد، نرخ بیکاری در استان سیستان و بلوچستان به میزان ۳۵ درصد، خراسان جنوبی به میزان ۱۸ درصد، کرمانشاه ۲۶ درصد، لرستان ۳۴ درصد، آذربایجان شرقی ۵/۶ درصد، اصفهان ۴ درصد و کهگیلویه و بویراحمد ۱/۱۵ درصد اشاره کرد. به گزارش خبرگزاری حکومتی ایلنا، کارشناسان اقتصادی بر این باورند که ایران برای غلبه بر مشکل بیکاری، نیازمند رشد اقتصادی بالای ۸ درصد است. این در حالی است که در طول سه سال گذشته، متوسط رشد اقتصادی حدود ۵ درصد گزارش شده است. به طور کلی هنگامی که نرخ بیکاری بالا است و به ویژه هنگامی که رکود و کساد بازارها شدت می‌گیرد، نرخ فعالیت، کاهش می‌یابد زیرا عده زیادی از یافتن کار می‌ایس می‌شوند و فعالان به دنبال کار نمی‌روند و در نتیجه از شمول جمعیت فعال، خارج می‌شوند.

شخص "احمدی نژاد" وزیرکارش " شیخ الاسلامی" به بهانه "ایجاد شغل و رفع موانع تولید" به همراه نمایندگان ولی فقیه در مجلس و نمایندگان کارفرمایی نظیر "اتاق بازرگانی ایران" باقیمانده‌ی قانون کار را مورد تعرض نهایی قرار می‌دهند و تعیین سطح دستمزد کارگران را به دست نامرئی بازار و سخاوتمندی صاحبان سرمایه و کارفرمایان می‌سپارند و اخراج فله‌ای کارگران را به دست صاحبان کار می‌دهند. امنیت شغلی یکسره ناپود می‌شود و نپرداختن به موقع دستمزدها به امری عادی و طبیعی در می‌آید. رقم واردات به بالاترین سطح خود به رقمی معادل ۸۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد. از کالاهای استراتژیک گرفته تا سنگ قبر از پیش ساخته شده و تسبیح‌های خوش دست و لوحه‌های رنگی آیت‌الکرسی یا چادرسیاه برای پوشاندن زنان از چین و دیگر کشورها از مرزهای قانونی و اسکله‌های غیرقانونی وارد می‌شود (سرمایه ۲۱ اسفند). به همین ترتیب شاهد ورشکستگی پی در پی کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک و نزدیک به ۵ میلیون بیکار هستیم و قریب ۵۰ درصد جمعیت کشور در فقر زندگی می‌کنند (سرمایه ۱۷ اردیبهشت)

قراردادهای موقت و غیرقانونی شناختن آن در کارهایی که ماهیت دایم و مستمر دارند :

در سال ۱۳۸۸ نیز همانند سال‌های قبل، قراردادهای موقت، که از سال‌های اول دهه ۷۰ که با تفسیر جدید وزارت کار از ماده ۷ قانون کار قراردادهای بدون تاریخ از شمار قراردادهای دائمی دسته جمعی کارگران خارج شده بودند، در عوض قراردادهای سفید امضاء رسمیت و عمومیت پیدا کرد. امروز مرکزی ترین شعار کارگران ؛ تامین امنیت شغلی برای همه کارگران و لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء و برچیده شدن فرم های جدید قرارداد های کار و جایگزین کردن قراردادهای دسته جمعی با کارگران است .

طی سال گذشته عمده ترین اخراج های صورت گرفته همچون سال قبل، از جانب کارگران قراردادی بوده اند . در گزارشات روز شمار کارگری سال به موارد معینی از این اخراج ها اشاره شده است. بطوری که می توان گفت : خبرگزاری حکومتی ایسنا در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۸۸ از قول اصغر برشان - نماینده سابق کارگران در شورای عالی کار در مورد کارگران قراردادی کشور اعلام داشت : "طبق آمارهای موجود تعداد کارگران قراردادی کشور به ۸۰ درصد رشد کرده است" او گفت: "عمده ترین دلیل این رشد، نبود تعادل عرضه و تقاضا در بازار کار است و علاوه بر این، سمت و سوق قوانین متاسفانه سمت و سوق تجاری و وارداتی شده است نه اعتلای فرهنگ کار."

نکته گفتنی اینکه ؛ پس از آغاز دوره اول ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، و سیاست های اعمال شده وزیر کار دوره اول " محمد جهرمی" و وزیر بعدی "شیخ الاسلامی" قراردادهای زیر یکسال، کوتاه تر از ۶ ماهه و ۳ ماهه و بخشا ۲۹ روزه و گاهها ۱۰ روزه و تماما سفید امضاء و جدیدا نیز شکل کتبی و شفاهی آنرا به مرحله اجرا گذاشتند. شرکت های دولتی نیز در این مورد با شرکت های خصوصی در حال رقابت بوده و هستند. آمار بنگاههای شرکت های قراردادی همچنان روبه افزایش است. روزنامه "اعتماد" از قول "علیرضا محبوب" که خود از کارگزاران این نظام بوده و همیشه در برابر منافع کارگران عمل کرده است "از شفاهی بودن ۶۰ درصد قراردادهای کار کارگران" سخن می گوید.

بر اساس آمارهای رسمی، اکنون بیش از ۸۰ درصد کارگران شاغل تحت قراردادهای موقت کار می‌کنند. بیشترین بیکار سازی ها از قبل همین سیاست در سراسر سال و در سطوح مختلف واحد های صنعتی و تولیدی اعمال گردید. در بین نیروهای اخراجی، وضعیت زنان کارگر بی‌غایت دشوار تر و تاسف برانگیز است .

در مجموع قرارداد های موقت، به مثابه اهرمی است که از جانب کارفرما های رژیم و بخش خصوصی، بشکل توامان، با بکارگیری وجنبه اجرایی وقانونی بخشیدن آن، کارگران را آنقدرسرمی دواند تا از این دوندگی خسته شده وتن به اخراجهای دسته جمعی با کمترین مزایا بدهند. این سیاست سالها است که توسط رژیم وسرمایه دارانی که می خواهند صاحب این کارخانه ها > آن قطعه زمینش ومراکز صنعتی بزرگ شوند و یا هم اکنون صاحب آنها هستند، بمورد اجرا گذاشته می شود. از جمله: مجتمع صنعتی ماموت یکی از قدرتمندترین سرمایه داران بخش خصوصی است که در چند سال اخیر با اقدام به خرید شرکت های مارال- میان- ایران بلغار- اف.ام و وزنه، دست به اخراج گسترده پرسنل قدیمی این شرکت ها زده است. مجتمع صنعتی ماموت بیش از ۵۰ هزار نفر کارگر قراردادی در داخل ایران دارد که اکثر این کارگران ساکن منطقه ساوجبلاغ بزرگ وهشتگرد و آن مناطق می باشند.

درباره مسئله گسترده اخراج ها، سیاست دولت در دوره های مختلف در امر اخراج ها با این هدف اجرا می شد و می شود که اخراج کارگران از کارخانه های نامبرده ودیگر کارخانه ها، بعد از اخراج بخش وسیعی از نیروی کار آن واحدها، کارخانه ها را به سرمایه داران جدید که همان وابستگان به مافیای قدرت هستند، واگذار می نمایند وسرمایه داران نیز که متکی به سرنیزه ارگانهای دولتی هستند. می خواهند تا قبل از تحویل گرفتن این کارخانه ها، کارگران رسمی آنها توسط دولت اخراج شده باشند تا مدیران کارخانه ها اگر هم قصد راه اندازی آن واحدها را داشته باشند، با مشکل کارگران رسمی وپرداخت حق بیمه وسایر مزایای کارگری به آنان روبرو نشوند. هر چند که دیده می شود، اغلب اینطور نیست وسرمایه داران با خرید ارزان قیمت کارخانه ها وگرفتن وام های کلان دولتی از بانکها، زمینهای آنها رابه قیمت گزاف فروخته وسرمایه هنگفت حاصل از آن را در تجارت و دلالی پرسود که عمدتاً برج سازی ها وشهرک سازی ها وآپارتمان سازهای سود آور است به کار می گیرند، تا با پس زدن کارگران استخدامی و بیرون کردن وباز خرید کردن آنان، موج جدید کارگران قراردادی، که آن هم گزین شده توسط ارگانهای سرکوب تفتیش عقاید واسلامی صورت می گیرد تا خیال خود را از بروز مسائل کارگری معوقه و پیشروی کارگران راحت کنند ودرعین حال با دادن دستمزد کمتر وحذف مزایائی که به کارگر رسمی ودایمی تعلق می گرد، شدت فشار واستثمار را بیشرو هزینه تولید را کم کنند تا به سود بیشتری دست یابند.

تحركات کارگران طی سال ۸۸

این تحركات مجموعه گسترده ای از اشکال سازماندهی تجمعات، اعتراضات، اعتصابات، راه بندان ها، راه پیمایی ها، آتش زدن لاستیک هادر برابر کارخانجات ویا خرطومى جاده هاو اتوبان های پُر آمد وشد، تجمع در برابر مجلس اسلامی، تجمع دراستادیوم ورزشی ورزشگاه شیراز، اجتماعات در برابر وزارت کار، اداره تامین اجتماعی، استانداری ها، فرمانداری ها ویاتعرض به کارفرماهاو در مواردی گروگان گیری آنان صورت گرفت. جدا از این، کارگران مواردی معدود دخالت گری خویش در اداره امور کارخانه ها هم تجربه کرده اند که به عینه در روز شمار کارگری آمده است.

جدول شماره ۳

پیرامون اشکال حرکت در محورهای زیر دسته بندی شده است :

تعداد	اشکال عام
۸۹ مورد	تجمع اعتراضی در برابر نهاد های دولتی
// ۸۸	تجمع اعتراضی در کارخانه ها یا مقابل دفاتر شرکت ها
// ۵۶	اعتصاب
// ۲۳	راه پیمایی ها، بستن جاده ، تحصن
// ۴۳	سایر اشکال ، نامه نویسی ها ، طومار نویسی ها، شکایات، مراجعه به مراکز دولتی

حرکت های خاص :

- واگن پارس: منهدم کردن شیشه های سالن ناهار خوری کارخانه
- صنایع فلزی: صنایع فلزی شماره ۱، اخراج مدیران میانی و بدست گرفتن فروش محصولات
- بازار: که بازاریان تهران در اعتراض به طرح قانون مالیات بردرآمد، وبا بسته چند راسته بازار و مخالفت با این طرح، دولت را به عقب نشینی واداشتند.
- کشاورزان منطقه ای در شیراز: نافرمانی مدنی، وشعار بر علیه صدا وسیما نیز داده شده و خودداری از پرداخت بدهی به بانکها بوضوح طرح گردید.
- لوله سازی اهواز: پیوند تظاهرات کارگران با تظاهرات ضد استبدادی مردم.
- اونگان اراک و شغار های طرح شده در آنجا
- لاستیک سازی دنا: برکناری مدیریت بی لیاقت میانی و به عهده گرفتن مدیریت کارخانه .
- براین پایه می توان وسعت تحرکات کارگران را در بخش های مختلف کارگری (تولیدی و خدماتی) را درکنار تاسیس "شورای موقت کارگران منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر" تعریف کرد که در سلسله خواست های خود اعلام داشتند : "ما خواهان تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۹، توسط شورائی متشکل از نمایندگان کارگران ودولت وبراساس میزان تورم اقتصادی روز، وبه میزان حد اقل یک میلیون تومان وباتوجه به اعلام خط فقر از طرف مسئولین وارگانهای دولتی هستیم . در روزهای پایانی سال ۱۳۸۸ این خواست را باید به نیروی متحد کارگران به کارفرمایان تحمیل کرد"
- مجموعه این تحرکات خاص و عام که بشکل جدول و زیرمجموعه آن دربالا آمده را می توان در روز شمار کارگری سال پیش به تفصیل مشاهده کرد.

پیرامون واحد های کارگری که در آنها حرکت های اعتراضی تکرار شده است :

تعداد تکرار حرکات کارگری	واحد تولیدی و خدماتی
۳ مورد	لوله سازی خوزستان
// ۴	لوله سازی اهواز
// ۱۰	واگن پارس اراک
// ۴	لاستیک دنا
// ۹	مخابرات راه دور
// ۴	آلومینیوم اراک
// ۴	خبازان سنندج
// ۴	پالایشگاه قدیک بندر عباس
// ۲	کنف کار
// ۲	آونگان
// ۲	لاستیک سازی البرز
// ۴	نساجی مازندران
// ۲	رانندگان کامیون احیاء گستر و ذوب آهن
جمع ۵۴ مورد	کل واحد های تولیدی و خدماتی گزارش شده

حرکات فوق در جدول شماره ۴ و نیز تنوع حرکات در جدول شماره ۳ در تمامی موارد ذکر شده برای کارگران همواره موفقیتی به دنبال نداشته و گاه کارگران ناموفق و هزینه های گزافی را

نیز متحمل می شدند. ولی آنچه با موفقیت نسبی همراه شده و بخشا حمایت های داخلی و جهانی از کارگران و مبارزات آنان را در سال گذشته پوشش می داد، کم نبوده است .

جدول شماره ۵

پیرامون حرکت های موفق و حمایت های داخلی و خارجی :

این حمایت ها از اطلاعیه های کانون نویسندگان ایران، موضعگیری فعالین زن و دانشجویان ، معلمان، جمعی از فعالین کارگری ایران خودرو و غیره ، سایت ها و وبلاگ های متعددی در درون کشور گرفته تا حمایت های اتحادیه ها و فدراسیون ها و کنفدراسیون متعدد در سطح جهان در کنار نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور در سطح اروپا - کانادا - استرالیا - آسیا و تا حدی آمریکا به نسبت سال های گذشته به مراتب وسیع تر و عمیق تر از گذشته صورت گرفت که عینا در روز شمار کارگری آمده است.

تعداد آن ها به مورد	حرکات
۲۰ مورد	حرکت های موفق
// ۴۶	حمایت های داخلی از حرکت های کارگری
// ۳۵	حمایت های خارجی

استمرار و پایداری کارگران در مبارزات آنان ، حجم گسترده دستگیری ها، احضارها و بازداشت و زندان را برای کارگران داشته است . همچنین کارگران در برابر مقاومت خود سرکوب شده و مجبور به عقب نشینی نیز کرده اند . آمار زیر از روز شمار کارگری سال پیش مؤید این سطح از سرکوب و دستگیری های کارگران می باشد .

جدول شماره ۶

پیرامون سرکوب ها و دستگیری ها و غیره ... :

موارد صورت گرفته	سرکوب حرکت های کارگری، دستگیری ها واحضار به مراکز پلیس و قضایی
۲۰۹ مورد	محکومیت ها ، احضار ها، دستگیری ها
// ۱۵	حرکت های سرکوب شده کارگری

دامنه حرکات کارگری :

توضیح ضرور؛ دامنه حرکت ها از نظر تعداد نیروی درگیر در اعتراضات مطالباتی با دقت گزارش نشده است، در بعضی از خیرها عمدتاً تعداد نیروی شاغل در واحد ها، دارای حرکت ذکر شده است و در برخی موارد دیگر، نیروی درگیر مبارزه از تعداد شاغلین تفکیک شده و در برخی موارد نماینده گان مجموعه نیروهای یک واحد تولیدی یا خدماتی در حرکت اعتراضی شرکت داشته اند.

لازم به ذکر است؛ دامنه حرکت از نظر نیروی انسانی مستقیماً درگیر ۱۸/۴۷۷ گزارش شده است.

جدول شماره ۷

مراکز تولیدی و خدماتی که در روز شمار کارگری سال پیش، خبرها و اعتراضاتی در آنجا به دفعات مطرح شده است:

تعداد مراکز	رشته های تولیدی و خدماتی بر پایه تقسیم بندی زیر، اخبار کارگری در آن جا ها مطرح شده است
۱۹ مرکز	۱- صنایع ریسندگی و بافندگی
// ۶۱	۲- رشته های خدماتی
// ۲۵	۳- صنایع غذایی
// ۳۰	۴- صنایع فلزی
// ۱۲	۵- ماشین سازی (خودرو)
// ۱۳	۶- ساختمانی
// ۶	۷- نفت و گاز
// ۱۳	۸- صنایع کشاورزی

هدفمند سازی یارانه ها :

هدفمند سازی یا حذف سوبسید ها در تمامی سال ۸۸ یکی از بحث برانگیزترین مباحث درون دولت، مجلس و شورای نگهبان و مطبوعات بوده است. پیشبرد پروژه مزبور تاثير مستقیمی بر زندگی و کار، همه گروههای اجتماعی خواهد داشت. کارگران ایران نخستین قربانیان این طرح هستند. بعد از کارگران بخش کشاورزی ایران یکی از عرصه هایی است که آزاد سازی اقتصادی ضربات سنگین و جبران ناپذیری بر آن وارد می سازد. در واقع اجرای قانونی هدفمند سازی یارانه ها، باعث سقوط وحشتناک سطح زندگی کارگران و زحمتکشان روستا خصوصا دهقانان زحمتکش می گردد. مطابق یک برآورد کارشناسی، با اجرای طرح یارانه ها ۱۵ هزار میلیارد تومان افزایش هزینه به بخش کشاورزی تحمیل می شود که نتیجه آن رشد بازهم بیشتر فقر در روستاهای کشور است. از دیگر پیامد های این طرح، ضربه سنگین به زندگی بخش وسیع مزد و حقوق بگیران دواپروادارات دولتی و خصوصی شامل کارمندان رده پایین و متوسط کشوری و لشگری، فرهنگیان و کسبه جزء و خرده پا و تولید کنندگان کوچک شهری و روستایی می گردد. می توان گفت: از یکسو؛ اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها از سری مواردی است که به شدت منافع حال و آینده طبقه محروم و اقشار میانه حال، کسبه جزء و تولید کنندگان خرد و کوچک را تهدید می کند. از دیگری آمدهای لایحه هدفمند کردن یارانه ها، بحران اجتماعی و بیکاری و رشد فزاینده قیمت ها است. از سوی دیگر؛ با اجرای قانون هدفمند سازی اغلب کارخانجات به ورشکستگی رسیده و خطر تعطیل کامل آنها وجود دارد. با این طرح کارخانجات ما ورشکسته و توان رقابت با محصولات خارجی از میان می رود. ورشکستگی تولید و رکود صنعت مترادف و مساوی با بیکاری و نابودی امنیت شغلی میلیون ها کارگر است. عبارت دیگر مردم ما با آینده بدی روبه رو خواهند شد. بر پایه آمار مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله نشان می دهد که ۲۴/۷ درصد این گروه سنی بیکار هستند و با اجرای طرح این میزان به ۲ برابر افزایش پیدا خواهد کرد. عبارت دیگر جهش قیمت ها و افزایش نرخ بیکاری دو پی آمد فوری و اجتناب ناپذیر اجرای طرح هدفمند سازی یارانه ها در ایران است. طی سال گذشته مطابق آمار، هزینه زندگی در استان تهران متناسب با درآمد کارمندان، معلمان و گروه بزرگی از مهندسان و پزشکان شاغل نیست. کمیسیون اجتماعی مجلس در اسفند سال ۸۸ اعلام داشت "درآمد کارمندان فقط کفاف خوراک و هزینه های اولیه زندگی آنها را می دهد. بیش از ۴۵ درصد از کل کارمندان کشور کمتر از ۵۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می کنند، با تعیین خط فقر (بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان) می توان با صراحت گفت که اکثریت معلمان، کارمندان و مزدبگیران زیر خط فقر بسر می برنند" (روز شمار کارگری اسفند ماه ۸۸) خصوصی سازی، جهش قیمت ها و نابودی امنیت شغلی حاصل اجرای هدفمند سازی یارانه ها است که زندگی را بر همگان دشوار می نماید.

بحث زنان و مشکلات آنان در ایران :

نابرابری در عرصه کار زنان کارگر و دشواری کارخانگی زنان؛ حضور کارگران زن را امروز در ایران تقریباً در همه حوزه های کار و تولید می توان مشاهده نمود. اما با ایجاد موانع گسترده بر سر راه اشتغال کارگران زن در یک سری از کارخانه ها و موسسات بزرگ تولیدی که توسط رژیم حاکم صورت می گیرد، بیشترین تمرکز آنها در کارگاه های تولیدی کوچک، دارقالیبافی ها، در صنعت خانگی (انجام کار تولیدی با ابزاری ساده در خانه) و همچنین انجام کار خدماتی در بعضی اماکن و به خصوص در خانه های ثروتمندان و در عرصه کشاورزی (چایکاری - نشاء برنج - سبزی کاری و غیره ...) می باشد.

زنان کارگر در ایران نه امروز بلکه از دیرباز با وسیع ترین فشارها روبرو بودند. محدودیت کار با نیمه وقت ساختن زنان در محیط اداری، فشار بر زنان باردار در محیط کارخانه و خاصه دشواری محیط کار بعد از زایمان برای مادران کارگر، محدودیت تراشی ها برای زنان معلم در سطوح مدارس همه و همه بازتابانند این دشواری ها برای زنان کارگر در همه عرصه ها است. می توان گفت: وقتی مسئله اخراج ها از محیط کارخانه ها مطرح می گردد، زنان در نوبت اول صف اخراج ها هستند. در مقابل

کارگران قراردادی زن نیز بالاترین رقم آمار را با خود داشته و این وضعیت از سوی همواره کمترین تضمینی را برای استمرار زندگی زنان کارگرد در محیط کارخانه و واحد های تولیدی تا به امروز باقی نگذاشته است. از سوی دیگر زنان کارگرد در واحد های تولید خانگی که به آن کارخانگی زنان اطلاق می گردد، طی سالهای اخیر وسیع ترین شبکه کار زنان را پوشش می دهد. زنان در درون خانه های خود، بدون کمترین حق و حقوقی از جمله بیمه کارگری و درمانی، به کار تولیدی برای واحد های مختلف دوخت و دوز لباس زنانه و بچگانه، قطعه کاری و مونتاژ کاری به کار مشغولند. این زنان همواره کمترین حقوق ممکن را دریافت می دارند، بیمه نبوده و نیستند. هستی زندگی آنها جدا از کار تولیدی برای کارگاهها و مغازه های لوکس شهری، با گذران زندگی خصوصی آنان گره خورده و از حقوق و مزایای قانونی همان قانون کار کدایی هم بی بهره اند. به این حد از فشار بر زنان کارگر، می باید کار زنان و دختران جوان زیر پای دارقالی بافی هارا نیز اضافه کرد. در این رابطه آمار روشن و دقیقی از میزان این کارگاهها در دست نیست. جدا از این، باید زنان و دختران و کودکان کار در کوره پزخانه ها اطراف تهران - تبریز - کردستان و جاهای دیگر را هم اضافه کرد که در روز شمار کارگری سال پیش، نمونه های اجبار کار آنان گزارش شده است.

آمار گزارش شده در سطح خبرگزاری های رسمی نشان میدهد که در ایران طی سالهای اخیر بیکاری های فزاینده و حقوق نا برابر زنان در مقابل کار مساوی با مردان آنچنان دشواری و فشار را متوجه زنان ساخته است که می توان از گسترده ترین سطح اخراج ها در بین زنان صحبت کرد. در رابطه با صدمات حاصل شده زیر پای دارقالی، نگاهی به آمار و اعداد زیر، این حقیقت را تا حدی آشکار می سازد که ابعاد بجا مانده از چنین جنایتی کمتر پخش می گردد و هیچ کس نیز مسئول این آسیب ها و جنایات نیز شناخته نمی شود. در گزارش آمده است: "بخش بیماری های پوستی دانشگاه شهید صدوقی در یزد، گزارشی را منتشر کرده که نشان می دهد که ۹۲ درصد گلیم بافان و قالی بافان زن هستند. نیمی از این کارگران زن، دختران جوان و نوجوان زیر ۱۶ سال هستند که بین ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار می کنند. در این مرکز پزشکی پس از تحقیقات آسیب شناسی بیش از ۱۰۰ نوع بیماری های پوستی، عضلانی و استخوانی در میان زنان کارگر شناسایی شده است. عکسبرداری های داخلی از استخوان انگشت ها نشان می دهند که در برخی موارد استخوان انگشت بافندگان تغییر شکل داده اند." آری، این از معدود گزارشاتی است که یک گوشه از واقعیت دردناک زندگی کارگران قالی باف در آن منعکس شده است. با توجه به این که کارگران زن بخش اصلی قالی و گلیم بافان ایران را تشکیل می دهند، از ورای این گزارش شدت استثمار و شرایط کار و زندگی طاقت فرسای کارگران زن را می توان مشاهده نمود. در ادامه گزارش فوق چنین آمده است: "در پژوهش دیگر که از ۲۸۳ کارگاه قالی بافی در اصفهان انجام شده است، موارد زیر شناسایی شده اند، بیماری های تنفسی، سردرد شدید، ناراحتی های چشمی، امراض پوستی و به خصوص ناراحتی های عصبی و روانی در میان زنان کارگر همه گیر است.

(محمد صفوی، زنان کارگر، قربانیان خاموش حوادث شغلی ...)

برای زدودن همه این بسامانی ها و تنها نگاهی همه جانبه به خواست ها و مطالبات معوقه زنان درون کشورمان بیش از پیش ما را نسبت به حقوق توده زنان و خاصه زنان زحمتکش کشورمان جلب می نماید

الغای هرگونه تبعیض جنسیتی در مورد زنان به شکل عام و زنان کارگر بشکل خاص اهمیت اساسی دارد. برای تحقق این خواست باید:

- زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.

- هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، پوشش و روابط زن و مرد یا دختر و پسر ممنوع شود.

- حق زن بر بدن خویش شامل حق تصمیم‌گیری در مورد رابطه جنسی، بارداری، سقط جنین یا عقیم‌سازی به رسمیت شناخته شود.
- کارخانگی زنان از میان برود، اما تا آن زمان به زنان خانه‌دار، دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل پرداخت شود.
- با ایجاد فرصت‌های شغلی برابر برای زنان و امکانات رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن‌های غذاخوری و رخت‌شوی خانه در محل‌های کار و سکونت، زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- با ایجاد خانه‌های امن دارای امکانات مناسب همراه با آموزش و درمان و پرداخت مستمری کافی تا فراهم شدن امکان اشتغال مناسب و زندگی مستقل، زنان خشونت‌دیده یا در معرض خشونت و دختران فراری از خانه‌پدري و شوهر، مورد حمایت مادی، معنوی و قانونی قرار گیرند.
- ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
- هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- نکته مهم در بررسی وضعیت زنان برشماری چگونگی عدم امکان استخدام زنان کارگر به عنوان یک حق باید به آن نگرست و این خود یکی از مطالبات مهم زنان کارگردر شرایط کنونی و الزام حق اشتغال دانستن زنان است. چراکه کارفرمایان همواره از استخدام زنان خودداری می‌کنند. همچنین باید از وضعیت زنان خود فروش که خود قربانی جامعه سرمایه‌داری هستند با توجه به آمار و گزارشات گوناگون در این مورد معین که امروز بیش از گذشته در جامعه ایران، بشکل یک آسیب عمیق با زندگی طبقه متوسط و نیروی‌نادر جامعه گره خورده است، صحبت کرد.

معلمان سراسر کشور و اعتراضات آنان :

اعتصابات و اعتراضات معلمان کشور و خاصه معلمان حق‌التدریسی سراسر کشور، با شکل‌گیری تشکل‌های صنفی معلمان و تقویت ارتباطات آنان با یکدیگر، از دوره خاتمی یعنی سال ۷۸ حالت جدی به خود گرفت. امروز به جهت اطلاع‌رسانی و حوزه ارتباطات معلمان از پیگیرترین بازوی شبکه‌ای هستند که از طرق سایت‌ها و بلاگ‌های معلمان در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌سازند. برپایه وسعت‌گیری تحرکات شبکه معلمان سراسر ایران، ما شاهد اتفاقات گوناگونی از سال‌های ۷۹ به اینطرف در سطح معلمان آموزش و پرورش سراسر کشور بوده‌ایم؛ از جمله حضور وسیع معلمان در برابر وزارت آموزش و پرورش، مراکز آموزشی و بخش‌های مجلس و برخورد‌های خشن خیابانی لباس شخصی‌ها و عوامل اطلاعاتی و نیروی ضد شورش با معلمان صورت گرفت که طی آن، چند صد نفر از آموزگاران در تهران، اصفهان و شیراز و در اجتماع جلوی وزارت آموزش و پرورش تهران و بعضاً مجلس مجروح شدند.

آنچه به مضمون این اعتراضات برمی‌گردد؛ در مرحله اول خواست تغییر در وضعیت معیشتی معلمان و تثبیت اشل حقوقی آنان و بازگشت به کار معلمان انفصال از خدمت و روشن شدن وضعیت معلمان حق‌التدریسی بوده است. تغییر ساختار آموزشی کشور و گذر از فاز ایدئولوژیک بودن امر آموزش و دیگری توجه به موقعیت و مقام معلم و دانش‌آموز است. بعد از حوادث سال‌های ۸۵ و ۸۶، دولت پیوسته زمان می‌خرد و تاکید داشت که خواسته‌های معلمان را می‌پذیرد. در فاصله‌ی یک سال و نیم، دو ساله بسیاری از معلمان و سخنگویان آنان بازداشت، تعدادی تبعید و برای عده‌ای دیگر انفصال از خدمت در نظر گرفته شد و تعدادی هم توبیخ و به عناوین مختلف تنبیه شدند. در سال ۸۷ بار دیگر اعتراضات آغاز شد. کانون معلمان ایران احساس کرد قوی که دولت داده، علی‌رغم این‌که هزینه‌ی زیادی را بر دوش معلمان گذاشته، همچنان به وعده‌های خود عمل نکرده است. در بهمن ماه سال ۸۷، نمایندگان معلمان چند جلسه‌ای با نمایندگان مجلس بر پا داشتند و نمایندگان اعلام

کردند که ما بودجه‌ی لازم را برای اجرای قانون نظام هماهنگ ساختن حقوق کارکنان دولت تامین کردیم و از این لحاظ مشکلی نیست.

آژانس ایران خبردر تاریخ ۱۷ فروردین ۸۸ به ازاء صدور چنین اطلاعیه ای فشارهای زیادی روی معلمان، کانون معلمان ایران و نمایندگان و مسئولین شناخته شده آنان وارد ساختند تا اعتراضات اعلام شده را معلق سازند. متأسفانه باید گفت که موفق هم شدند. بدین صورت که روزیست و نهم بهمن ماه، رئیس جمهور (محمود احمدی نژاد) در تلویزیون و در مقابل چشمان ۷۰ میلیون ایرانی اعلام کرد: "ما قانون را کاملاً اجرا می‌کنیم و قانون هم از اول فروردین ۸۸ اجرایی شود و کارکنان دولت در فیش‌های حقوقی فروردین ماه ۸۸ شاهد تغییر و تحول عظیمی در وضعیت معیشتی خودشان خواهند بود." اگر بخواهیم با شروطی که وزارت آموزش و پرورش دولت سرمایه در مورد استخدام کارگران معلم تنظیم کرده، نگاه کنیم. در متن این تعهد بر نکات زیر تأکید شده است:

- پذیرش بدون هیچ قید و شرط کلیه دستورات اداره متبوع
- محرومیت کامل از هر نوع تقاضای انتقال یا مأموریت
- سلب کامل و بدون چون و چرای هر نوع حق اعتراض به هر نوع تصمیم مسؤلان آموزش و پرورش
- ممنوعیت تقاضای انتقال به تبعیت از انتقال احتمالی همسر
- پرداخت کلیه خسارت های مطالبه شده از سوی اداره متبوع در صورت تخلف در موارد فوق

به این ترتیب دولت با کشاکش بی‌مانند خود موفق گردید، بار دیگر صرف یکپارچه معلمان را به چند دسته تقسیم کند و توانست اعتراضات اسفند ماه معلمان سراسر کشور را به تعویق بیندازد. معلمان طی چندین نشست و برخاست تصمیم گرفتند تا بیانیه را به حالت تعلیق درآورند و آن را کنسل نکنند. اما ما شاهد این هستیم که کوچکترین تغییری تا پایان فروردین امسال در فیش حقوق معلمان ایجاد نگردید.

بدین ترتیب در طی سال گذشته کانون صنفی معلمان که از مهمترین تشکل‌های سراسری معلمان و نقش تعیین کننده این دعوت ها به اعتراض و اعتصاب بوده و در اکثر استان‌ها نیز نمایندگان فعالی دارد، طی خبرهای خود همواره از دریافت گزارشات اجرای اعتراضات مذکور در مناطق گوناگون تهران و در شهرهای استان تهران، اسلامشهر، کرج، پاکدشت، دیواندره، کوه‌دشت، خمینی‌شهر و میاندوآب، استان‌های کرمانشاه، یزد، اصفهان، گیلان، فارس، خراسان، کردستان، لرستان، بوشهر، اردبیل، آذربایجان شرقی، همدان و همچنین بخش‌هایی از استان هرمزگان نیز خبر داد. برپایه گزارشات روز شمار کارگری این تحرکات به ماه فروردین ۸۸ نیز کشیده شده است.

بطوری که کانون معلمان ایران طی بیانیه ای تصمیمات خود را علنی کرد و به همه‌ی معلمان کشور اعلام نمود: در روزهای ششم، هفتم و هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ اعتصاباتی صورت می‌گیرد. یاد آور می‌گردیم؛ تا این تاریخ، فرزاد کمانگر معلم کودکان کرد همچنان در زندان بسر می‌برد و اعتراضات وسیع و گسترده درون کشور و اتحادیه های معلمان جهان نسبت به بازداشت و زندانی بودن ایشان نیز تا کنون بدون کمترین توجه ای از جانب مقامات قضایی روبرو شده است.

متأسفانه همانگونه که پیشتر یاد کردیم " فرزاد کمانگر " به همراه چهارتن دیگر در ماه اردیبهشت ماه سال ۸۹ علیرغم همه اعتراضات در زندان اوین توسط دژخیمان نظام ننگ و تاریک اندیش جمهوری اسلامی ایران اعدام شدند. این اعتراضات همچنان ادامه خواهد داشت.

خشکسالی و عوارض آن در زندگی کارگران فصلی و کشاورز و دامپرور :

می گویند: کشوری که آب ندارد ، نان هم ندارد!

سالی که گذشت (۱۳۸۸) برپایه گزارش های ارائه شده در روزشمار کارگری برگرفته از مطبوعات دولتی، ما با تخریب وسیع و گسترده اکولوژی زیست محیطی روبرو بودیم. آلودگی هوای تهران، قطع درختان در مناطق مختلف، خاصه در جنگل های شمال و مازندران، خشک شدن دریاچه ها، تالاب ها، سد سیوند، آلودگی دریای خزر، رودخانه های مسیر آن، مرگ میلیون ها ماهی، هزاران فک دریایی، ورود فاضلاب پتروشیمی به آب های خلیج فارس وجود نوزادان ناقص الخلقه، همه و همه آسیب های بجامانده از تخریب محیط طبیعی زندگی مردمان ماست.

زایش پدیده خشکسالی در سراسر کشور به روزمره ترین خبر بدل شده و همچنان ادامه دارد. کمتر روزی است که ما از خشک شدن دریاچه ای، رودخانه ای، عقب نشینی آب سدی در سطح خبرگزاری های داخل کشور خبر نداشته باشیم. تالاب های شورگل- یادرگارلو- درگه سنگی- مجموعه تالاب انزلی- شادگان- خودالامیمه و خورموسی- نیریز و کمیجان- هامون صابری و هامون هیرمند- انتهای جنوبی هامون پور- آلاگل- آلاگل و آجی گل ، همه و همه تالاب هایی هستند که در معرض تغییرات اکولوژیکی هستند. از جمله گفته می شود؛ در مجموعه تالاب انزلی به دلیل رسوبات ناشی از تخریب جنگل و مراتع بالادست که موجب کاهش عمق تالاب از شش متر به دو متر درسی سال گذشته شده و نیز ورود پساب های شهری، صنعتی، کشاورزی که در مسیر تالاب قرار دارند، منجر به تهدید این تالاب شناخته شده دارند.

در زمینه خشکسالی در اصفهان خبرگزاری مهر در تاریخ ۲ شهریور ۸۸ گزارش کرد : جانشین ستاد سفر شهرداری اصفهان با اشاره به اینکه خشکسالی خسارات زیادی به اصفهان وارد کرده است، گفت: "در این راستا به درختان سطح شهر اصفهان نیز آسیب فراوانی وارد شده چنانچه ۴۸ هزار اصله درخت در اصفهان خشکیده و در حال مرگ است." خشکسالی جدا از بی آبی رودخانه ها، تالاب های زیست محیطی را نیز با خطر مواجه ساخته است. دریاچه ارومیه و دریاچه آب شیرین پریشان، زاینده رود اصفهان، اغلب رودخانه های شمال کشور (گیلان - مازندران) با مشکل بی آبی روبرو هستند و این حد خشکی ضرر روزیان بی مانندی را در سراسر کشور به تولید کشاورزی (چای - برنج - مرکبات - ابریشم - میوه های فصلی) و به قیمت خانه خرابی میلیون ها روستایی و دامدار و عشایر وارد ساخته و می سازد. پدیده خشکسالی بیش از همه کارگران کشاورزان را از پای در می آورد. دیمی بودن محصول در شمال ایران در کنار کم آبی و خشکی رودخانه ها بیشتر ضرر روزیان را متوجه محصولات کشاورزی بویژه برنج و چای می نماید. در سراسر شمال ایران تعطیلی خیل وسیع کارخانجات چای طی سال های اخیر، از یک سو بیکاری کارگران ساده و فنی چایسازی را در سطحی وسیع به نمایش گذاشته و از سوی دیگر کشاورزان چایکار و کارگران باغات چای را نیز با بیکاری وسیع روبرو ساخته است.

بخشی از ویرانی موجود خود محصول قطع بیرویه اشجار و سوخت و ساز جنگل ها در ایران است. جدا از این از اولیه ترین چرایی رشد تخریب وضعیت موجود، واگذاری میراث طبیعی کشور به بخش خصوصی است که آثار مخرب خود را در بهره وری بیرویه و سودآوری هر چه بیشتر نشان می دهد. این در حالی است که حفاظت از محیط زیست و تامین هزینه های آن ، جزو اساسی ترین وظایف دولت ها محسوب می گردد. در سال های اخیر ناکارآمدی سیاست های دولت ها و سازمان محیط زیست در اجرای تعهدات و مسئولیت های خویش، برای حفاظت و نگهداری از زیست بوم ها و دفاع از سرمایه های طبیعی کشور هیچ قاعده، روش و راهکار مطلوبی نداشته است.

این وضعیت با توجه به بی نقشه گی و بی برنامه گی دولت در این باب، خشکسالی را گسترش داده است. در سراسر ایران کشاورزان و عشایر دام پرور را با مشکل زراعت و تهیه علوفه روبرو ساخته و بار دیگر کوچ های جمعی کشاورزان به درون شهر های بزرگ و رها ساختن روستا ها بی شباهت به دوره بعد از اصلاحات ارضی شاهانه نیست.

چنانچه اوضاع به همین روال پیش رود ما شاهد این خواهیم بود که در سال پیشروی فقر فزاینده همه ابعاد جامعه ایران را در برمی گیرد.

پایان سخن :

با فرارسیدن سال جدید، ما از موجودیت یک اول ماه مه دیگری گذر کردیم . مطالبات کارگران، آنگونه که خود برمی شمارند و در اطلاعیه مشترک گروه بندی های مختلف فعالان کارگری درون کشور در برابر چشمان ما و تمامی هم طبقه ای هایشان قرار گرفت .

در یک ارزیابی عمومی در سال ۱۳۸۸ می توان گفت : سالی که گذشت، در مقابل خصلت دفاعی مبارزات کارگری در ایران، خصلت پشتیبانی بخش های مختلف جنبش کارگری از یکدیگر و همینطور دیگر نیروها از جنبش کارگری در داخل ایران بر پایه **جدول شماره ۵** نسبت به سال های گذشته گسترده تر بوده است . همینطور مراجعه به احزاب و سازمان ها، اتحادیه های کارگری، فدراسیون ها و کنفدراسیون ها در سطح جهان، برای برانگیختن پشتیبانی و همبستگی با مبارزات کارگران ایران، توسط نهادهای مدافع حقوق کارگران و زحمتکشانشان ایران در خارج از کشور در سطح اروپا - کانادا - استرالیا - آمریکا به نسبت سالهای گذشته به مراتب وسیع تر و عمیق تر از گذشته صورت گرفت . در طی سال افشاء و طرد نهادهای دست ساخت امپریالیستی همچون مرکز همبستگی آمریکا (سولیدارته سنتر) با توجه به تلاشهای جاری اش در به انحراف کشاندن مبارزات کارگران ایران به نفع سیاستهای دولت امپریالیستی ایالات متحده آمریکا بر ملا گردید و مطالب گوناگونی پیرامون ماهیت این نهاد امپریالیستی انتشار یافت.

سالی که گذشت ؛ واحدهای تولیدی و کارخانه های سراسر کشور بیش از گذشته تحت نظارت و کنترل نهادهای امنیتی و بسیج قرار گرفته اند. این امر در کنار واردات بیرویه از چین و ماچین، رکود تولید، بیکار سازی های دسته جمعی، بیش از هر موقع به گسترش فقر در بین خانوار های کارگری دامن زده و وضعیتی اسفبار پدید آورده و محیط های کارگری را با دشواری روبرو ساخته اند.

سالی که گذشت ؛ توجه به تشکل صنفی و طبقاتی مستقل در برخی واحدهای بزرگ و کلیدی شکل گرفته است که در کنار سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و سندیکای مستقل کارگران نیشکر هفت تپه شوش، نشانه بالندگی و حرکت روبه جلوی جنبش مستقل طبقاتی درون کشور ما است . از آن جمله : تشکیل "شورای موقت کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان" و "شورای موقت کارگری مجتمع های پتروشیمی بندر ماه شهر" در استان خوزستان از شمار این تشکل های مستقل می باشند. شکل گیری این نهادهای مستقل کارگری، به رغم اعمال فشار و تشدید جو پلیسی و فضای امنیتی در کارخانه ها و کارگاه ها، در اوضاع سیاسی پر کشاکش درون ایران، در بین کارگران بیش از هر وقت اهمیت و ضرورت وجود سندیکاها و تشکل های مستقل آنان را نشان می دهد. در مقابل پر واضح است که ماهیت جریانات ضد کارگری و دست ساز رژیم مانند "جامعه اسلامی کارگران" که به هیأت های موقوفه و دیگر باند های ارتجاع حاکم وابسته اند، نمی تواند موجب فریب کارگران شود و این خود واقعیتی مسلم و ناشی از رشد سطح آگاهی طبقاتی کارگران کشورمان می باشد. که این نهادهای شبه کارگری نظیر (خانه کارگر - شوراهای اسلامی کار - جامعه اسلامی کارگران - حزب اسلامی کار - بسیج کارگران - انجمن اسلامی کارگران و...) هر روزی چهره تراز بیش در نزد گروه های وسیع کارگران می گردند.

سالی که گذشت؛ با توجه به بحرانی که گریبانگیر نظام سرمایه داری جهانی شده است. طبقه کارگرایران نیز مصون از این وضعیت نمی توانست باشد. اوضاع امروز جهان بویژه آنچه در بین کشورهای معظم سرمایه داری می گذرد. نشاندهنده این است که کارگران ایالات متحده آمریکا، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و غیره... برای کارگران ایران و دنیای پیرامونی، نشان از سرآغاز سالی سیاه ترو فلاکتبار تر از سالهای گذشته خواهد بود. در این زمینه خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در اواخر فروردین ۱۳۸۸ می نویسد: "وضعیت کارگران بدتر خواهد شد، روند افزایش مزد کارگران در قیاس با روند افزایش هزینه های زندگی آنقدر محدود است که کارگران حتی در نقاط ارزان قیمت بعید است بتوانند با اضافه کاری یا کار دوم و سوم از عهده مخارج زندگی برآیند. با تشدید بحران اقتصادی وضعیت کارگران در سال جاری نسبت به سال های گذشته بدتر خواهد شد." همین هشدار رسانه دولتی ما را و می دارد که در برابر رشد تورم و گرانی هر روزه درون کشور، ضوابط اجرایی شدن یارانه ها هستند که در ماه های آینده اجرا می گردد. همانگونه که پیشتر یاد کردیم؛ قربانی اصلی افزایش دائمی تورم و گرانی، طرح برچیدن یارانه ها، مزد و حقوق بگیران کشور هستند که در شرایط کاهش دائمی ارزش پول و افزایش دائمی قیمت ها با دستمزدهایی زیر خط فقر با خطر اخراج، باز خرید و پرتاب شدن به لشکر میلیونی بیکاران روبرو هستند. نارضایتی در میان کارگران و مزدبگیران کشور بسیار گسترده تر از پیش است. سرکوب های شدید؛ مداوم و گسترده و عدم امکان برگزاری تجمعات و راهپیمایی ها بار دیگر اهمیت حضور موثر و سازمان یافته کارگران در جنبش اعتراضی یک ساله اخیر را در کانون توجه بسیاری از نیروهای موجود در آن قرار داده است. این خطر را رژیم هم به خوبی حس کرده است امید آنکه سال پیشرو یعنی سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰)، سال رهایی و آزادی توده مردم محروم مان از چنگال این نظام باشد.

فهرست روز شمار کارگری جمع آوری شده، سال ۸۸ که هر سه ماه یکبار انتشار یافت. علاقمندان می توانند آنرا در چهار لینک زیر* مشاهده و دنبال نمایند.

* لینک روز شمار کارگری سال ۱۳۸۸

ماه های فروردین - اردیبهشت - خرداد ۱۳۸۸ - ۲۰۰۹

<http://archives.rahekargar.org/maghalat/01-20091103/200911-maghalat.htm>

ماه های تیر - مرداد - شهریور ۱۳۸۸ - ۲۰۰۹

<http://archives.rahekargar.org/maghalat/201001/20100125-01-maghalat.htm>

ماه های مهر - آبان - آذر ۱۳۸۸ - ۲۰۰۹

http://www.rahekargar.net/labor_iran/20100324_10_RSK_IRAN-3.pdf

ماه‌های دی - بهمن - اسفند ۱۳۸۸ - ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰

http://www.rahekargar.net/articles_2010/20100420_186_rsk-iran4.pdf